

جامی اداره : کسما

سر دبیر میرزا غلامحسین کلبانی

نگار افات و مکاتیب باید

بعنوان ذیل باشد

زمن : جنگل

هفته دو نمره طبع شود

کتاب نمره هفت شامی

# نگار افات

۱۳۳۵

باینج بوم رتبه ششم شهر رمضان المبارک ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایحه در اعلام

خصوصی با وزیر اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

در اشکال بعد از آن در روز نهم

قیمت اشکال

بجای ۵۰ تومان

## این روز نامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

### مدیر مسئول خستین کلبانی

چنانکه در شماره دو کتبم ایران مساعفانه حواله نگاه  
 تشون متخارب شد یعنی جنگ کلید آن تمام از قشونها  
 دو تها نیکه مشغول جنگ اند در وطن عزیز ما خود نمائی کرده  
 گرفتون ایران که در تمام این پهن دشت پهنزار نفهم  
 لشکر نظامی ایران وجود داشت همیشه دولت  
 ایران با تمام معاذیر و مواظیکه در پیش بوده دست  
 بطرفی خود در ایا یک صدای موثر تمام عالم خطار کرد  
 قدمی از مسلک بطرفی پشیر و فرار نگذاشت. هر قدر  
 اولیای دولت ایران خواستند خود را بطرف  
 قلعه و گنبد دول متخارب و قوی باین حرفها نگذاشتند  
 و هر چه شنیدند نشنیده انگاشتند.

ز زوال برو سیلون و دقیقه شش قشونها را نور پاش  
 و غیره و غیره ما را موقاسم سرد و مخزون میبخت  
 ما خاضل از آن بوده و شاید همسرم که فتح و تکت  
 این آن را از آن کرد اب بدلت و بدبختی نجات خواهد  
 داد راست است بین فتوحات بکه دوشی که از تقای  
 مانفع میشود پایشرفتمای دولت دیگر که فقط قشای ما  
 نقطه نظر اوست تفاوت از زمین تا آسمان است  
 ایامیک از این دو دوی در دمای ما نخواهد بود  
 این نکتهها و فتوحات جنس که برآورد در عصب و  
 عروق اطفال ما خاضد در این قرن اخیر خواهی خواهی  
 داخل شده اند پر دن نخواهد کرد این بیم نامه  
 ها نیکه ابهانه دهی شده، اولاد ایر از اینشن وطن  
 دلالت خواهد نمود این تماش؛ ما را از گرسنگی و پریشانی  
 طاریه نجات خواهد داد این نمایش؛ جای عالی کتاب  
 ابتدائی و مدرسه متوسطه و دبیرخانهها را بر نخواهد خست  
 پرس حکم که از بررنگان آزاد نخواهد ان ایران شمار  
 میرود این فرار را کمره میگفت و دیگر نباید گفت  
 چه میکردیم باید گفت چه باید کرد؟

چیزی که بود از دولت ایران بجز عادات قدیمه خود  
 در جمیع و محافل مانظور که وقتی از شنیدن عبارات  
 رستم نامه و اسکندر نامه محفوظ می شدند تقریباً در تمام  
 مدت جنگ بین اللالی از اطلاع بفتوحات دیگران  
 گامی شادمان و زمانی غمگین بودند گامی اقدامات  
 زوال های و روز دیگر فتوحات ایشال مند بزرگ  
 و روزی حرکات زوال زفر و ساعتی روشهای نظامی

بلی باید گفت چه باید کرد  
 در این موقع هر منشی ساده می تواند طاقبسته عمارت  
 سوزدن با رعایت صحیح و قافیه بهم بافته مدتها در این موضوع  
 لام بلاط و چه اما طول کلام و عبارت ساری بعقیده ما  
 بکل بی فایده است ما میگویم فقط یک ملت متحد و یک  
 کابینه قوی و ثابت می تواند ایران را از بس بدبختیها نجات  
 داده و ادبهای امور را با اصطلاحات داخلی و خارجی  
 خارجی موفق کند.

این از نسلیات اولیه است که نشریات مطبوعه یکی  
 از عوامل مؤثره و نهیت است اما نشریات چو کین و نکلین  
 نه فضای و بتاکی مثل تحریرات شرم آور عبد الحمید خان  
 متین السلطنه مدبر عصر مدینه زور آرمانی براید  
 فقط بتاکی و فضای از طوفانی اظهار حیات کرده اند  
 جانی ناین آینه میگردند بیدار که دن حسن ایران  
 در راه ساختن مشرک عمومی و تشریح کامل بدینجه و  
 تعیین قواعد اجتماعی و سیاسی بقوت و ای جاسه ملی  
 خواهد بود اما با مطالعات حکیمان.

آن تنها که اقتصای وقت اسحاق بوسند و  
 هر یک را از غلطت ترک و امرش کرد آن آنها  
 که جنگهای پست آرد و گره و با پوری و با ناین  
 را از غلوب نکت روس موقفا بیرون نمود آن  
 قها که جنگهای فزانه و ناپلیون را در و اثر تو خشی  
 گذشت آن هم که جنگهای فزانه و انگلیس را در  
 مدت هفت سال و سه سال حتی واقعه را اندازک تا  
 و قایع فاشوده در سنوات اخیر ندیده انگاشت آن  
 قها که تراژدی جزیره سنت لهن را از یاد مردم برد  
 باید در ایران ایرنیا را بصر و سکونت و تکلیفی  
 مادی و معنوی از بهیت دولت ایران تربیت و تخریب  
 کند و با شانه محبوب و جوان کنت ایران وقت  
 به چه که از موقع استفاده کرده مخصوصا از زمانه ایران  
 هروزه دولت روس فراید و ترا ترا که در نظر دارند  
 تحصیل کنند

تو ایرانی هم وطن عزیزم که در این چند سال اخیر  
 کار فلاکت و پریشانیست سبانی کشید که عالی ودانی  
 در او متفق نظر اند.

تو ایرانی که چندی پیش از این قادر بر حفظ سوابق  
 خود و محافظت حقوق خویش بودی  
 تو ایرانی که در تاریخ عمومی عالم نام و نامی داشتی  
 تو ایرانی که از کطرف ام و تا مای عالم در تشریح  
 کنکاش واردند و از کطرف ناخلف لرزت به پیمان  
 در کمال بی شرمی مثل مزدور گلگ میکنده  
 تو ایرانی اولاد ایران روسی سخن با تو است ایامی  
 ای احساس سگینی آیا از مشاعر فضی و ادب و بلعاف و ذکا  
 ر بهای قدیم نصف و شش باقی است  
 ایرانی تمام ابواب تمام فصول تمام مواد حقوق  
 بین الملل عمومی که میتوان اده اگهی اده من هم ایام  
 نرات و فسانه است یا نظام و فنون جنگی و حمل  
 جنگی با خواب نوشین گهواره و آواز پهلوی عظمت  
 خانم و مرگ ...

یک قاموس یا لاروس در مقابل چشم گذشتن  
 و همی تکلمات و لغات رخم - مروت - انصاف  
 اومیت - نگاه کردن و از خطور این کلمات بی نظ  
 دل دیوانه را تسکین نمیشدن و نشاء یا فن نشاء  
 سادگی است.

سخای حیرت انگیز سیاست آینه ایران منذ  
 شرق و عالم اسلامی میگویند در محله بیت نصفه ...  
 باید حل شود سر نوشت آسیای غربی حتی اوققای  
 شمالی و عالم اسلامی سخت بهم سوخته است.

در وای تمدن با تعلیم و آرد و باکی سازند و از  
 یک منصف چشم پوشید، خیالات جا بلانده و افکار  
 کته بین امحال است در و ماراد و اکتد مشرقها با  
 برای خیالات خام و بیخبر اساس بزرگ است و اعظم  
 شرق را بهم ترزند مسلمانها باید دست جمعیت  
 و عهد بستن بیکدیگر و اده از حقوق وطن دفاع نمایند



آیا نباید بنهه خطا و غفلتها امروزه آطلا در دم آخر  
اصلاح شود؟ آیا از اضلال سایر ممالک اسلامی  
نباید متنبه شویم؟ آیا نباید از رسم استخاد و اطلا  
ای بین المللی که از نیم قرن بخلاف حداد و پاروچ

گرفته عبرت گرفت؟ ایرانی از خوب غفلت  
بریزیم و دست بست یکدیگر داده جبران گذشته  
را بگیریم

### سواد مکتوب تلگرافی سردار منصور قدیم سپهبد عالی

نموده نموده ۱۶

Modele 16

سنة ۱۳۳۵		اداره تلگراف دولت علیه ایران		نمونه کتاب .....	
از طهران	نمونه قبض ۱۲۴۴۳	کلمات	تاریخ اصل	نوع خدمات	تاریخ وصول
برشت	نمونه تلگراف ۱۱۶	۲۸۳	۳		تاریخ وصول
					تاریخ وصول

حکومت علیه کیلان برقرار را پورت و اصله بعضی اشخاص بیگانه جو در این موقع برای فریب دادن آنان عوام صغی  
نظفها و تنگنا میدهند که بدین وسیله موجبات بیجان انالی را فراهم کرده مقاصد و مقاصد می که در نظر دارند  
در بایس عوام فریبی انجام داده باشند و تعجب است با آنکه از مقام ریاست محترم وزراء و عظام دولت  
شکسته نگرا فامور شد و بود و اما سیکه تقسیم بیت دولت در مسئله اشخاص و افتتاح مجلس شورای ملی  
معین و اعلام رسمی نشود از اینگونه اقدامات و عملیات اشخاص و نظفهای بیجان که مغایر نظم و مصالح  
ملکتی است قویا جلوگیری نماید ظاهرا جابجالی در مقابل اقدامات و تشبیهات این اشخاص مغایر است  
ملاحظه می اطاعت کرده و باید از این و بطور مؤکد رحمت میدهم بیت دولت در حل قضیه اشخاص و تشبیهات  
و سبیل این امر بار حال محترم بر مرکز که محل اعتماد و طرف اطمینان کامل است مستند مشول تعاملی و تبادل نظرات  
پس از امتداد یک نتیجه که مستلزم صلاح ملکت و فرجام باشد عقوبت و سبب حکام اعلام اشخاص خواهد  
شد قبل از تعیین تقسیم قطعی دولت هر کسی خواهد این قبیل تنگنا داده و نظفهای صحیح کتب و من ملاحظه  
در مستگیر و تحت الحفظ نظران روانه داده و من حکم تلگرافی را صادر نموده به امید که قضا اخطار و مخزن  
الیه میباشد در صورت مختلف از این حکم هر که بایستد بقوت و سبب و تحت الحفظ نظران اعمام دارند  
که تشبیه سخت شود و هر گاه مفاد این حکم بوجه اجرا گذارده نشود شخص جابجالی مشول خواهد بود  
۱ شهریور ۱۳۹۶ وزارت داخله محل هر تلگرافخانه

جواب آقای معاذ الله و احکام کیلان  
و طوالتش و کار گذار مابقی آذربایجان در تبریز  
دائمه سابقه شمع  
محل شیر خورشید . ایالت کیلان و طوالتش . نموده

کتابت ثبت ۲۷ . کارتن دوسیم . نموده های قبل  
ضمیمه . تاریخ خروج ۶ شهریور ۱۳۳۵  
مقام فیض وزارت علیه داخله  
تلگراف مبارکه نموده ۷۹۰ در خصوص میگمانی که دارد

شده و بشود زاریت شد اولاً اتباع روس و  
 لطایف آنجا چنانکه سابقاً عرض کردم با یک حرات  
 خوبی بی اختیارانه بدو این اقدام را نموده که خود  
 سرگردگان و اولیای آنها از جلوگیری عاجز بودند  
 بفضل خدا و توجهات آنوزارت جلید با دستور العلی  
 له حضرت اشرف داده بودند باید داشتن قوای کامل  
 رشته نظم را از دست نداده جلوگیری کردم و با دست  
 تحریک این دین گدازشتم تاکنون ساخته رخ نماید  
 اقدامات بهمان امیز تبریز که در روزها محاسن درج شده  
 ده یک آن در دست واقع گردیده چون کلمه مقتدره  
 مشروطیت را زنت اقدامات خود قرار داده اند با یک  
 ترتیب قانونی جلوگیری شده است که بعد ناگویند  
 حکام تعیین حضرت اشرف توه استبدادی بخرج آوند  
 در حقیقت دو تخواهی نموده یک آینه در رخانی برای حضرت  
 اشرف منظور داشته که زبان هر بدگویی بدخواهی را  
 کویا بنیاید فلذا وضع شهر خوب و از سیف الشریعه ویژه  
 جلوگیری شده و بشود

مکتوب وارده

حضرت مرم جناب... آقای میر جمیده فزیده جنگل در  
 بته با کمال افتخار مصداقت میدید در موقع مسافرت  
 خود بلا بجان و لشکر دو لازم دانستم فی الجمله تحقیقاتی که  
 از شرح اوضاع آن صفحات بعمل آورده ام مخصوص اطلاع  
 هموطنان بوض رسانیده تا خاطر عموم مستحضر گردد  
 احوالات لایبجان روسی هم رفته تا سقف اینرات  
 چه که بد بخانه هر کس در امورات فعال بایستد و هر  
 اداره مدون رعایت قوانین جاریه بخود سری طریح  
 از وظیفه حرکت مینماید احمد السلطان اگنت که از  
 بدو اگنت گزی خود خون تمام مردم بجا راه لایبجان  
 شسته کرده و تقریباً مبلغ خطیری گوشش مردم را

بریده اینک هم دست از کربان مردم میکشد و  
 بقسم دیگر برای مردم بجا راه آنها کلاه دوزی مینماید  
 نکته که قابل توجه است هماناستکه امتحانات حاشه  
 الله لازم بشرح نیست که در این دوره چهارم تقنین  
 حیات و محاسن ملت ایران فقط بسته بود کلا زمانه  
 کافی است که تعیین مینمایم اگر چشم و گوش خود را  
 باز نموده گول طاران و عوام فریبان را بخوریم  
 ممکن است موافق بهین نمایندگان صادق صبح العمل  
 لایق شده تا از برکت وجود آنان بخواهیم حیات  
 خود را محفوظ و برقرار بداریم متأسفانه در لایبجان  
 بسوجه مراعات این نکته نشده که سهل است هر شخص لایق  
 بمحاملات داسی و خام خود در صد و فرام و جمع نمودن  
 پارتی و دیت بندی است که شاید کسی پارلان که  
 یگانه آمال داند روی با ایرانیان است اشغال و باز هم گلو  
 مالت مظلوم را به چکال خود فرسوده و سکا ملس این  
 دآن واخذ رشوه و بر کردن حب خود خط مهور استقال  
 و قومیت ایرانیان بکشند غافل از اینکه این دوره  
 بخواند و در سابقه و فیه تنگداری این آب خاک  
 نجونی از دستة بندی و انتریک آنان مستحضر و بر فرض  
 اینکه بدستة بندی اکثریت را نامل شوند فدایان دینی  
 حتی در امکان نخواهند گشت که بمقصود نامشروع  
 خود برسند این بنده که یکی از خاکبایان فدایان  
 وطن بشمار نمیرود بوسیله آن جویده ازاد در زبان ملت  
 با یک صدای رسا فریاد میزنم که امی ملت لایبجان گول  
 دریب طاران دپایه در مالان را نخورده و مش این  
 لگه به سخت و سعادت خود و مملکت نرنید و نیز با قاف  
 بانیکه داد طلب این شلند و بسوجه بیباقت این  
 مقام را دارید اخطار می شود که چیهت ریخ خود و رحمت  
 دیگران را نخواهند که بمقصود نامل نخواهند شد و  
 بیانی سودی نخواهند برد  
 در فایده توجه حکومت لایبجان را باین موضوع طلب از من

وطن دوستی ایشان که در مدت مسافرت خود تحقیق شده  
مبتوقم که از اقدامات نامشروع و خودپسندانه بعضی از  
آقایان و ائالی آن سامان جداجلوگیری نمایند

۱۰ ق. م

### جنگل

چون راجع بامراجاب است باکمال میل درج شده  
مخصوصاً ما شتاقیم که در این دوره انتخاب و کلامی  
گیلان ملک عالم بشریت و اسباب افشاح کیلانها  
نباشند  
خدمت ذی شرف آقای بدر محترم جریده جنگل را  
تأییداته العالی

متمنی است محض معارف پروری و بزرگ احسانت ملکیت  
و دولت خواهی جمله ذیل را در جریده محرره درج فرمایید

### جشن شایان تجید

در ایام ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ شهریور در  
حضرت فومین در تحت مراقبت آقای میرزا علی آقامی مدیر  
واقعات آقای میرزا ابراهیم خان ناظم مساعدت  
اولیای اطفال برای عید سید ولادت و با نگهداری  
اعلی حضرت بهایونی مجلس جشن و چراغان مفصل  
منفقه گردیده بدین مآبندگان اداره تحقیق فومین  
و سایر آقایان محلی هر شب در آن محضر حضور بهر  
مجلس پس از صرف شربت و قرانت خطابه ای  
میتر و ترانه های وطنی و سرودهای ملی به عاری ذات اقدس  
ملوکانه و کارکنان ملکیت و ازادی خوانان و اساق  
طلبان و معارف پروران خاتمه یافت

غلامحسین طبیب نوی

### ادوات

ارطبع نقاد ادیب شجور آقای میرزا علی اکبر خان (دو جو) در  
که خدمات ایشان بعالم معارف و تصرفاتش در ادبیات  
ایران عدیم النظر است و اینک جزو طلبچین ایران  
برو دایمی وطن ستواری است و در دولتی کبریست

وکالت داشته و از سران ازادی خوانان شمار  
میرود ما آن وجود مبارک را از حیث اشتهد  
مستقی از سعزنی میدینیم چون در اقیار بیانات  
فصیح و شعار آبدارش بی اختیاریم محض آنکه فارین  
گرام ما را دیگر از جور محترم را بیاد آرند ما زاننده  
طبع اورا که نژاد و نظماً از نواد زمان است زینت

صفحات جریده جنگل میبایستیم  
شدی اسال بعلی کار و بار از ار شده  
توبسیری باطلوق باجه بازار شده  
هر کسی دانه خود که میبازار شده  
علی زه تاب در این ملک باطلوق در شده  
وکیل مجلس با محنت آقا سردار شده  
شدی اسال نمیدونی چه کشیدیم بکن  
چه قده دانه مشروطه دیدیم بکن  
با نامان چینه زد و پاک بریدیم بکن  
یه جوان پر و پا قوس ندیدیم بکن  
همه از پر و جوان و مال و در شده

بعد از این بر سر ما چه بلاها برت  
چه بلاها که ازین خلق باها برت  
بگوش ما و تو فردا چه صد با برت  
کار این ملک از اینجا کیجا با برت

تقی سنخار با پستی سهار شده  
بچاکس وانه نایک با پاسی کار نکرد  
یه از این خوش غیر نادره کرد و کرد  
چه خوبنها که آن برک دین دار کرد  
تا موار خود خورش بار کرد

باز بگو مشروطه از اچرا برار شده

مشهدی اشمال باون حفت بسبکات قتمه  
لوطنی حق و حساب دن بنجه اخیلی که  
هر کسی را که بهر شش بروی اهل نمه

مار با نیها بر نه والله بر مار ستمه  
 سر اسیر است تا مصلحتن اطوار شده  
 مشدی اسال علی این بجا گشت نشند  
 بلا نبت بلا نبت بگی نزن نشند  
 فتن بی منت و دودم کنش و بد کنشند  
 بر یه لش مرده همه در گمشند  
 چون یک درگ پی خوردن بر کار شده  
 جفا فکر تلک به و صد شیوه و رنگ  
 ماهه لول و پاشلیم ز افیون و رنگ  
 از مد جتی گرفته تا بکل عدی تلک  
 صاف در خنده خوامیم به مرت و تلک  
 کی میله نت ایران همه بیدار شده  
 (دخو)

احوال روحیه قزوین

اشخاصی که در زمان رژیم سابق روسیه بوطن خود  
 خجاست کرده و در نظر مثل اجنبی هم هیچ قدر قابلیتی  
 نداشتند سهل است مثل یک عضو فاسدی محسوب  
 میشدند و با آزادی خواندن ایران نهایت خدمت  
 کرده و در سند و اعدام آنها بر آمدند و هر چه میخواستند  
 با آنها کردند از وقتیکه رژیم سابق تغییر کرد جهان  
 اشخاص فوراً تغییر اسلوب داده خود را بیست  
 عضویت احزاب در انظار صوفی مینامند این هم  
 اکتفا کرده برگرام خود را از کیف تازه دارد  
 که از طهران اخیراً بهات قزوین ورود کرده  
 تحصیل مینماید مثل برق در کمال مثری افکار آزادی  
 خواندن را پریشان کرده میکنند  
 مثل آنکه در گاردن پارتی خیلی اشخاص مسلط الحال  
 مثل موشن الدیوان تا خجاست نظام امین خاقان تا  
 صدر الانها و امثال آنها مصدر امور می خود را صوفی  
 کردند حتی کاندیدای وکالت را از امثال خود میخوانند

معرفی کنند تا زمانیکه آن ماسه در خاک قزوین و اطراف  
 اقامت دارد که تا بین او باقی هستند بر احوال نت  
 به نبت قزوین چون چاره نبت مثل سر در نها باید  
 گرفت  
 برای دو نفر و کیلیکه باید از قزوین صوفی شود  
 کیفر کا نه پیدا شده که شاید کیفر از آنها صالح برا  
 اینکار نبت حکمران قزوین هم کافی است بن جهان  
 علیات مشغول است  
 ملی یک شهر که دو نفر دلتوز و بیوض در او نبت  
 و متصل در فشار تصیقات خارجی و داخلی مبتلا باشند  
 از آن شهر بغیر از این نباید غلط بود آیا اهل کیلان در  
 هم بهین گرفتار با مبتلا هستند یا احوال رو دیده مردم  
 رشت بهتر است ؟

امضا: م

مکتوب سرگشاده - یادری - وری  
 آقای مدیر روزنامه جنگل این یادریم که در میان  
 مجامدین از عهدی عهد ترک حیدر پینه دوز  
 استاد قاسم بنا میرزا عبدالله کاوه عهدی  
 عبدالله عطار مرحوم نایب بقصر صراف اکبر  
 یخ کش آقا شیخ عابدین حمای ادیب المجدین  
 استاد سن کبابی یوسف... خراسانی ارجمه  
 بدتر شده میگویند در این صوفی قزوین که قوی  
 او توبسیل خودش از طهران میآید مگر این  
 شهر را میخوانند

مگر سوای عشق از طبقه عالم علمی دارد  
 دلا دیوانه شود دیوانگی هم عالی دارد  
 من که خبر حرکت او را شنیدم گفتم لا چنتی  
 چنتی ترا که میر... اولسون، مگر دیگر از سفرهای  
 قدر آمیز کردن میشود احاسات مردم را تغییر داد

کردی از کوفته بدش میاید و له برایش آورده  
 فریاد کرد و گفت لا ای نامرود و فراده چادر  
 چاقچور کرده مرا گول برنی من ترا بشناسم، دیگر  
 من من بیست درآمده اگر مثل لندهور بن سعد  
 در کتاب بکنند نامه، هزار دهنه میری وزنده  
 شوی محال است دیگر رنگ و کالت و داریت  
 رئیس الوزرائی را به بینی و آن کاغذ سخره امیرزبانها  
 بهی تو خبیلی که اوقات تلخ شود دارائی  
 مکانین یادت میاید و بان قلب خود را  
 مکنین میاید بی اگر روزها متمول میشد موش  
 باید میلیار در باشد تو چو اینی پاکک کوی مکنی  
 و با ابا بیل و میگرددی آن کله بره ایسکه نوی  
 آتش است طهران بود جنگ اروپا از میان  
 برو یعنی لو لوسه و خورد اگر تو سید صادق  
 کپه بری ایرانه نام بعد از این عبد العظیم یک  
 دارد و نه اند توئی بیابان میروی بلکه دری  
 به تخته بخورد بی مثل سنگ زنه های کاشان  
 دو ضربه میرنی بیچاره .

این سخنی که میکشی از سنگی نفس  
 کوان نفی است که در دم کردی  
 الهی که زیر تو بسیل خزانه داری بروی تو از  
 که کسری این متولی باشی که از مرقد ثامن لئانه  
 فران بان خوبی را از ضریح مطهر وز دید نصف  
 تو هم نیست تو که مابقی دون را ازین دست  
 تر بر میداشتی تو که دولت خلی آب میگرفت  
 دیدی که آن بکارت تو سپهسالار نه سپهسالار  
 اعطی را از تو نه دید

صنوبر با یکل ماند چه سرو دنازم ارمی  
 چمد در راحت گلزار گاهی است گاهی  
 این لپها نستنها چه حقه است گویا تو هم در  
 بهار سس اروپا استرا تا شوی را آموخته بزند خدا  
 دو شب است آبهم داشت بگو کرده خر بود و نصیب  
 این انس جنگل این الوقت

انس جنگل

جمعه ۲ رمضان المبارک ۱۳۳۵  
 چون تمام مستبدین و اغلب خائنین متظرند که  
 از جناح پهن ناصر غام سلطان امیر مقدر طالش که  
 از سایه خود میرسد و مگر ز خود او و محمد خان برآید  
 درش خائنه برفت تا آید ه مکتوب و ممدول  
 مرجع کرده اند ۲ ایک با قال بر و ال حاج مصلح  
 خرد دولت با یک شیخون بطولش برده و  
 چهارده نفر مقصدین انبار را اسیر نمودیم جنگ  
 تا چند ساعت امتداد داشت از طرف ما مقتولی  
 بوده و غنیمت بدون چون داخل عملیات است  
 به انجمنه و نیاری تا امر در پیسج حله غنیمت  
 نیارده ایم که در موقعیکه مقام تدافعی اعتبار  
 کنیم و دشمن برفت باید آنوقت هر چه در  
 جا که داشت از قبیل اسب و تفنگ و اسلحه  
 جنگ البته باورده نخواهیم کرد مگر آنکه یک پان  
 ایرانی بخوابد آنوقت ممکن است بعضی از آنها  
 هم رود شود خلاصه فعلاً این الدوله حاج  
 میرزا محمد رضا و سایر همپانش و حضرات موجود  
 فوق بدون زنجیر و کشته بدون میر غضیب  
 حتی دوستان بان وقت افطار و وقت سحر

۲ کاری

اعتذار

کارکنان اداره روزنامه جنگل با آنکه میخواستند از کلمه اعتذار فراموشی باشند تا مخانه این کلمه منحوسه دامن گیر باشد و محو رسم از قلمن محترم خود عذر نخواهیم ما در شماره دو بخارنن گرام و عده دادیم که هفته دو نمره خواهم نشر داد بواسطه بواسطه موافقی که در میانست خاصه موانع مطبوعه تا یک مدت طبعی با بیفاسی و عده خود موفق نتوانیم شد عجالتاً بهمان هفته یک نمره فایده میکنیم و عقرب در بعضی از شمارهات یک صفحه کار یکا تور هم تقسیمه میشود محو بود کلمه اعتذار از طرف اداره

یک زن بی وفا و بد بخت

مکنه از زنهایی زکستان با زن رعیت همایه خود رابطه پیدا میکند در حالیکه در ذات کیلان و در اقرب و جوار رشت واقعا تمام قوانین اسلام کاتار رعایت میشود و میشود بزرگران کیلان و در مقامینا را حقیقه ستمدن نامیده این بد بخت با عیال فقیری زکستانی باب خیانت را مفتوح نمود مسلم است آن زن بی شرف هم خواهی نخواهی تسلیم بود بالاخره در خیال کتن فحش میافتند و بدترین اشکال او را میکنند زن فاحشه و زانی قاتل پس از محقر زانی و سبک و کبها طلب شدند بعد از استفاق واقعا از خیانت و خیانت واقعه تمام حصار رفت دست داد و پس از تکلیف مجلس از چند نفر علما و نامیده در روز چهارشنبه گذشته یعقوب زکستانی هم بمقتول خود پیوست  
سجیت لافق مینه دین حبیبه

بای قاب چلو باغلی را بلند و جلی نم میکنند احوال روحیه آنها اسرای قدیم و جدیدی نیست رضایت بخش است و هر چه در انوار و دانسته بغیر از این شهرت داشته باشد از طرف آرزوهای دشمن منتشر می شود گاهی مثل اردک در کانال حمام گها چاه حوض بازی میکنند و سمیع خان از تکسیون مورفین را یکی بعد از دیگری تریاق کرده حاج میرزا محمد رضا ام لعله و فنی که شاه شد اغلب تصنیفات عارف شاعر مشهور مجتهد است گاهی هم آن سه نفر بازی فوت بال میکنند

صدوق پست

ار شایان اهالی اظهار میکنیم و آنها را برآفت قسم میدهم بهبوده وقت ما را تلف نکرده از درج مکاتیب و لواحقیکه راجع بجنگ و جدل و منافع شخصی است ما را معاف دارند و ضعیفات روزنامه جنگل را برای بعضی علیات دیگر فارغ بگذارند ولی برای آنکه رفیع و راجع مردم هم شده باشد مطبوعه جنگل حاضر است اطلاعات و لواحق شخصی را بطور فوق العاده در در وقت علیجده چاپ نموده بضمیمه روزنامه منتشر کنند و این در صورت میل صاحب کار و قبول مطبوعه است بنا بر این نام لواحق را که راجع بمنافع شخصی است درج نخواهیم کرد و در هم نمیکشیم...